

مصاحبه شونده: دکتر فرخ مروستی

مصاحبه کننده: سیدمصطفی هاشمی

تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۴

### دکتر لطفاً یک بیوگرافی از خودتان بفرمایید سوابق تحصیلی و آموزشی؟

اینجانب از بهمن‌ماه ۱۳۵۴ در دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تدریس شدم. طرح سربازی‌ام را نیز در دانشگاه گذراندم. زمانی که به دانشکده مهندسی برق آمدم، آقای دکتر نحوی رئیس دپارتمان بودند. قبل از ایشان نیز آقای دکتر خاکسار این سمت را عهده دار بودند. آقای دکتر سید حسین نصر نیز به کرسی ریاست دانشگاه تکیه زده بودند.

در بحبوحه شلوغی و اعتصابات دانشگاه در روزهای پیروزی انقلاب، در دانشگاه نقش کلیدی داشتم.

به خاطر دارم در آن ایام بدلیل موضع‌گیری‌های سیاسی برخی از اساتید و دانشجویان، حقوق اساتید را قطع نموده و تهدید کرده بودند دانشگاه را تعطیل کرده و به اصفهان منتقل می‌نمایند. من، آقای دکتر اخوان و تعدادی از اساتید تصمیم گرفتیم یک حساب بانکی باز کرده و به اساتیدی که نیاز مالی داشتند حقوق پرداخت نماییم. تا ساواک با فشار بر اساتید نتواند اعتصابات را بشکند. البته ساواک نیز دنبال من بود. به هر حال دامنه اعتصابات در شهر آنچنان گسترش یافته بود که انقلاب به پیروزی رسید و جمهوری اسلامی شکل گرفت.

در روزهای ابتدایی بعد از پیروزی انقلاب، فضای دانشگاه بدلیل وجود اساتید و دانشجویان با گرایش‌های مختلف سیاسی اعم از اسلامی و مارکسیستی ملتهب بود. دانشجویان با اسلحه‌هایی که از طریق دوستانمان از پادگان‌ها گرفته بودیم مسئولیت حفاظت از دانشگاه را به عهده گرفتند.

ابتدای انقلاب خط همه اسلامی بود و تمایل به نظام اسلامی و امام داشتند. چپی‌ها هم تا حدود زیادی متحد بودند حتی سعی کرده بودند افراد غیر مذهبی سکولار که چپ هم نبودند را به خودشان جذب کنند. جناح‌های اسلامی ابتدا متحد بودند تا اینکه کم‌کم سازمان مجاهدین خلق خط خودش را از انجمن اسلامی جدا کرد و نام خود را دانشجویان مسلمان گذاشت.

اینجانب به همراه آقایان دکتر حداد عادل و دکتر سروش برای اولین بار در تلویزیون درخصوص انقلاب فرهنگی و دلایل آن که مدرک زدایی و رفع تشنج در محیط دانشگاه بود، صحبت کردیم. فردای آن روز

آقای بنی صدر دانشگاه‌ها را تعطیل اعلام کرد و شورای انقلاب فرهنگی تاسیس گردید. بعضی از برنامه‌های درسی تغییر کرد. ولی نهایتاً خیلی از اهداف انقلاب فرهنگی برآورده نشد. نه تنها مدرک زدایی نشد بلکه مدرک‌گرایی نیز بیشتر شد.

بعد از دو سال که دانشگاه‌ها باز شد، انجمن دانشجویان مسلمان که به مسعود رجبی گرایش داشتند، مخالف باز شدن دانشگاه‌ها بودند چون هدفشان مخالفت با نظام بود تا دلایل دیگر.

بعد از بازگشایی، بدلیل اینکه تعدادی از اساتید از ایران رفته و عده‌ای نیز اخراج شده بودند، برخی از دانشگاه‌ها صدمه زیادی خورد مثل دانشگاه شریف و دانشگاه شیراز. افرادی که در جناح چپ بودند اعتصاب و اعتراض می‌کردند، به همین دلیل یا تسویه شدند یا خودشان رفتند بعضی هم به زندان افتادند. جمعاً ۱۶ نفر تسویه شدند. قبل از تعطیلی دانشگاه که من مسئول گروه پاکسازی بودم، فقط یکی دو نفر اخراج شدند. دلیل پاکسازی آنان همکاری با ساواک و تشکیلات فراماسونری بود. تعدادی از نگهبان‌ها که در روزهای انقلاب اعلامیه‌های بچه‌ها را جمع می‌کردند و به ساواک تحویل می‌دادند، با آنها برخورد چندانی نکردیم چون حقوق اندکی می‌گرفتند و تحت فشار ساواک بودند. ولی بعد از تعطیلی دانشگاه و زمانی که اینجانب برای راه‌اندازی مرکز تحقیقات، مشاور شهید قندی شده بودم، حدود ۱۶ نفر از اساتید معترض دانشگاه شریف اخراج شدند.

در ابتدای انقلاب برای راه‌اندازی جامعه اسلامی دانشگاهیان فعالیت می‌کردم. کارمندها هم فعالیت‌هایی داشتند، گاهی اوقات مقابل اساتید قرار می‌گرفتند. دانشجویان انجمن اسلامی با جامعه اسلامی هماهنگی داشتند. گاهی اوقات که به جلسات هیات دولت می‌رفتیم، تعدادی از دانشجویان را نیز می‌بردیم اما با کارمندها هماهنگی نداشتیم، فقط گاهی در شوراها حضور داشتند.

آن اهدافی که از انقلاب فرهنگی در ذهن ما بود، محقق نشد. مثلاً جنبه‌ی مدرک‌گرایی به مراتب بیشتر شد. حتی خیلی افراد دکتر و مهندس شدند بدون اینکه از دانشگاه مدرک گرفته باشند. درست ضد اهداف انقلاب فرهنگی شد. به هر حال تکیه اصلی ما در حفظ کیفیت آکادمیک دانشگاه بود چون دانشگاه صنعتی آریامهر قبل از انقلاب نقش موثری داشت و دانشگاه فنی را پشت سر گذاشته بود. دو سه سال قبل از انقلاب، من در دانشگاه شریف کیفیتی میدیدم که می‌خواستم آنها را حفظ نمایم.

بعد از انقلاب، چند اتفاق برای دانشگاه صنعتی شریف پیش آمد که زیاد به نفع آن نشد، یکی اینکه تابع مقررات دولتی، مشابه دانشگاه تهران شدیم. قبل از انقلاب دانشگاه ما به صورت خصوصی توسط هیات امنای اداره میشد. دانشگاه پهلوی شیراز هم خصوصی بود. بعد از انقلاب هر دو دولتی شدیم و بروکراسی بیشتر شد. تمام تلاش ما در دانشگاه این بود که کیفیت پژوهش را بالا ببریم و البته من چند سالی فرصت

مطالعاتی بودم و عملاً استعفا داده بودم و در دانشگاه های آمریکا و انگلیس تدریس میکردم. پس از بازگشت، مجدداً استخدام شدم. همیشه بیشترین تلاش من برای پژوهش بوده است. چون به این نتیجه رسیده ام که دانشگاه های خوب جهانی، تکیه بر پژوهش دارند نه آموزش ولی دانشگاه های متوسط بیشتر تکیه شان بر آموزش است. بدلیل اینکه من پژوهش محور می باشم و تعدادی دانشجوی نخبه تربیت نموده و مقالات بیشماری تولید کرده ام و با صنعت نیز همکاری زیادی داشته ام، فرهنگستان علوم من را به عنوان استاد برجسته معرفی نمود و نیز از طرف صندوق حمایت از پژوهشگران کشور به مدت ۵ سال کرسی پژوهشی دریافت نمودم. همچنین یازده سال است که ریاست پژوهشکده مخابرات نظری دانشگاه شریف را برعهده دارم.

دانشگاه شریف از لحاظ کیفیت دانشجو نه تنها در ایران بلکه در جهان بی نظیر می باشد. چون ۸۰۰ نفر اول کنکور سراسری و اکثر المپیادی ها به شریف می آیند. ولی چند مشکل اساسی در دانشگاه وجود دارد که یکی از آنها بودجه کم می باشد. دو سال قبل از یازده استادی که در کل ایران، از طرف فرهنگستان علوم، استاد برجسته شناخته شدند، ۴ نفر از شریف بودند. حدوداً ۳۶٪ کل دانشگاهی ها. آیا ما همین میزان بودجه را از کل بودجه تخصیص داده شده به دانشگاه ها داریم؟ خیر.

حتی فکر می کنم بودجه دانشگاه علم و صنعت و امیرکبیر از ما بیشتر باشد. بودجه ما بسیار نا چیز است. دولت مردان به خصوص در ۱۰ سال گذشته توجه کمی به دانشگاه شریف داشتند. به عنوان مثال چون دکتر احمدی نژاد هیات علمی دانشگاه علم و صنعت بود، توجه زیادی به آن دانشگاه داشت. دانشگاه ما نیز بخاطر بودجه ناکافی، صدمه زیادی دید.

یکی دیگر اینکه نگرش پژوهشی در دانشگاه شریف وابسته به نگرش مدیران است. مدیرانی اعتقاد به کار بنیادی دارند و برخی دیگر پژوهش کاربردی را در اولویت قرار می دهند. از لحاظ پژوهش بینش واحدی بر دانشگاه حاکم نیست. مشکل دیگر در دانشگاه ما، کمبود فضاست. فضا برای توسعه کلاً خیلی کم است. اگر مسئولین اعتقاد دارند دانشگاه شریف بهترین دانشگاه علمی و مهندسی کشور است، باید بیشتر به آن برسند. همانطور که به دانشجوی نخبه میرسند.

تقریباً بیش از ۹۰٪ از اساتید دانشکده مهندسی برق در قبل از انقلاب در دانشگاه حضور فیزیکی داشتند و خارج از دانشکده کار نمی کردند. ولی الان شاید حدود ۵۰٪ از آنان شرکت خصوصی دارند، در نتیجه حضور فیزیکی خیلی کمی در دانشگاه دارند. تعامل آنان با دانشجویان خیلی کم است بیشتر با دانشجویان دکترا و فوق لیسانس در ارتباط هستند. این امر نارضایتی دانشجویان لیسانس را سبب شده است. تاسیس شرکت های خصوصی دانشگاهیان چند مشکل را بوجود می آورد یکی عدم حضور آنان است و دلیل دیگر

اینکه مهمترین هدف افتتاح شرکت، سوددهی آن می باشد. درست است که اشتغال زایی نیز بشمار می آید ولی استخدام دانشجو و بیگاری از آنان نیز می باشد. این اتفاقاتی است که متأسفانه بعد از انقلاب افتاده است. یک عامل آن، شرکت های دولتی بودند که استاد ها را تشویق به افتتاح شرکت می کردند تا به آنها پول بدهند. که این به ضرر دانشگاه و همچنین دانشجویان تمام شد.

اخیراً سعی کرده ایم اساتیدی را که استخدام میکنیم، تا زمانی که دوران آزمایشی را می گذرانند و رسمی نشده اند، حداقل طی ۵ سال، خارج از دانشگاه کار نکنند، تا تعامل بیشتری با دانشجویان و اساتید داشته باشند، ولی عملاً صد در صد موفق نبوده ایم.

دانشجویان ما دانشجویان خاصی هستند. چون کلاً باهوش و نخبه هستند روحیات خاص خودشان را دارند و استادان هم از این تیپ هستند ولی زیاد حرف هم را نمی فهمند یعنی تعامل کمتری دارند و روحیه همدیگر را کمتر میشناسند. افسردگی در دانشجو و بعضاً استاد وجود دارد حالا به خاطر شرایط محیطی، اقتصادی و خانوادگی و... این است که باید اینها را حل کرد. اساتید، باید دانشجویان مسئله دار را برای مشاوره نزد روانشناس بفرستند، در واقع بایستی کمی روانشناسی نیز بلد باشند.

در خصوص سطح علمی دانشکده مهندسی برق بایستی عرض نمایم، از ۴ استاد و مهندس برجسته منتخب فرهنگستان علوم و مهندسی در سال ۹۲، دو نفر از دانشکده برق می باشند. آقای دکتر نایی و بنده. آقای دکتر فتوحی نیز منتخب جایزه علامه طباطبایی بودند. ایشان در آن زمان رئیس دپارتمان دانشکده بودند. چند سال قبل آقای دکتر صالحی به عنوان پژوهشگر پراستناد انتخاب شدند. در حال حاضر ایشان رئیس گروه مهندسی برق فرهنگستان علوم می باشند و رئیس گروه علوم مهندسی فرهنگستان آقای دکتر عارف هستند. که هر دو نفر از اساتید دانشکده برق می باشند. از لحاظ جوایز و دستاوردها، سابقه دانشکده برق بسیار درخشان است. هم اکنون با بیش از ۷۵ نفر هیات علمی، بزرگترین دانشکده دانشگاه شریف می باشد. حالا غیر از جمعیت و کیفیت استاد ها، بهترین دانشجویان شریف هم در دانشکده برق تحصیل می نمایند. یعنی تقریباً ۱۰۰ نفر اول کنکور سراسری به دانشکده برق دانشگاه شریف می آیند. سالانه حدوداً ۳۰ دانشجوی المپیادی طلای کشور یا جهانی در رشته ریاضیات و فیزیک، به دانشکده برق می آیند. قبلاً از شیمی هم می گرفتیم ولی الان جذب نمی شوند. این نشان میدهد که اکثر دانشجویان المپیادی و بهترین های کنکور به برق شریف می آیند. دانشجویان خوب لزوماً علاقه به برق ندارند و فقط به خاطر اسم دانشکده است که می آیند.

الان امکانات ما زیاد شده است ولی دانشجویان ما نیز زیاد شده اند. در حال حاضر در مقطع لیسانس ۱۵۰ دانشجو از طریق کنکور جذب می شوند. ۳۰ نفر از طریق المپیاد ها، ۳۰ نفر سهمیه خانواده استاد ها و شهدا،

مجموعاً در سال ۲۱۰ نفر میشوند. ما ظرفیت سرویس دادن به این تعداد را نداریم. ظرفیت ما واقعا ۱۲۰ نفر بیشتر نیست. ما قبل از انقلاب هم همیشه از ۱۲۰ نفر کمتر می گرفتیم. البته دانشکده کوچکتر بود و ۳۰ استاد بیشتر نداشتیم. ساختمان جدید داریم ولی باز هم سرویس دهی به این جمعیت دانشگاهی زیاد مناسب نیست. ولی بزرگترین مشکلی که دانشگاه با آن مواجه می باشد، عدم وجود بودجه برای دانشکده ها است. این که دانشکده ها بدانند چه مقدار بودجه دارند تا بتوانند متناسب با آن برنامه ریزی نمایند. خیلی سیستم دانشگاه متمرکز است. فقط رئیس دانشگاه و بعضی از معاونین حق خرج کردن و حساب باز کردن دارند، دانشکده ها و پژوهشکده ها حق عقد قرارداد بصورت مستقل ندارند و بایستی زیر نظر معاونت پژوهشی اقدام نمایند. به هر حال دانشگاه خیلی بزرگ شده است و این حجم نمی تواند با دو یا سه معاونت اداره شود. به همین دلیل کارها کند انجام می شود. به نظر من بزرگترین مشکل بروکراسی است که باید حل شود.

من معتقدم، همانطور که وزارت علوم باید به دانشگاه ها استقلال بیش تری بدهد چه برای استخدام استاد و چه برای گرفتن دانشجو، دانشگاه هم باید به دانشکده ها استقلال بیشتری برای انجام امور خودشان بدهد. چون الان کل دولت با اصل ۴۴ در حال خصوصی شدن است ولی دانشگاه ما هنوز همان نظام متمرکز بوروکراتیک سابق خودش را حفظ کرده است.

در حال حاضر دانشگاه پیر شده است. کارها نیز تا حدودی به کندی انجام می شود. شاید به خاطر پیری مدیران به خصوص بخش اداری و مالی می باشد، همه مسن شده اند و وقت بازنشستگی شان رسیده است.

تعدادی از اساتید نیز در سن بازنشستگی هستند ولی اساتید جوان هم استخدام میکنیم اما در کادر اداری و مالی اینطور نیست. تا طرف فوت نکند، کسی جایگزین او نمی شود. استاد ها هر دو تیپ را دارند، هم مسن و با تجربه و هم جوان و پر انرژی .

ما چاره ای نداریم بجز اینکه زمین های دیگری بگیریم. ما باید بودجه های عمرانی داشته باشیم. اشکال کار این است، اکثر ساختمان ها بجای استفاده از بودجه دولتی، با حمایت مالی شرکت های نفت و توانیر و ... ساخته شده اند. ۹۰٪ کار هیات امناء و رئیس دانشگاه آوردن پول به دانشگاه است ولی اینجا این اتفاق نمی افتد. بستگی به ارتباط رئیس دانشگاه با دولت و دولت مردان دارد. دولت مردان از دانشگاه ما باشند یا خیر. مثلا زمانی که آقای دکتر عارف معاون آقای خاتمی بودند و با اینکه سعی میکردند عدالت را رعایت کنند، باز به نفع دانشگاه شریف تمام شد و یا حضور آقای دکتر عباسپور در مجلس به نفع دانشگاه شریف تمام شد. هر مشکلی، سعی میشد از طریق این آقایان حل شود. در مورد دانشگاه های دیگر نیز این اتفاق افتاده است. مثلا

در ۱۰ سال گذشته زمان آقای دکتر احمدی نژاد بیشترین سود نصیب دانشگاه علم و صنعت شد. چون نه تنها ایشان، بلکه ۴ تن از وزرا هم از دانشگاه علم و صنعت بودند و این خود به خود دانشگاه را تقویت میکرد.

جدیدا یک معاونت فرهنگی در دانشگاه ایجاد شده است. اوایل ایمیل هایی می زد که برای دانشگاهیان جای سؤال داشت. بیانیه های فرهنگی یا بعضی از اعلامیه هایش بیشتر مورد گله مندی استادان می شد. من معتقدم بایستی بیشتر از لحاظ فرهنگی کار بشود. قبلا زیر نظر معاونت دانشجویی بوده است. اکنون نیز تا حدودی هست. مثل فعالیتهای فوق برنامه استادان و دانشجویان که شامل کنسرت و تاتر و موسیقی می باشد. این برنامه ها را باید بیشتر کرد. شنیدم قرار است شهرام ناظری برنامه داشته باشد. اینجا بلیط هایش همه پیش فروش شده است، یعنی طرفداران زیادی دارند. قبل از انقلاب اگر تالار رودکی برنامه ای داشت مثلا تاتر و یا یک برنامه موسیقی و یا کنسرت، به دانشگاهیان بلیط های نصف قیمت تخصیص می دادند. این کارها را باید معاونت فرهنگی انجام دهد. اطلاع رسانی کند در هنرسراهای مختلف چه برنامه ای در جریان است، سپس بتواند برای دانشگاهیان بلیط های ارزان قیمت تهیه نماید.

کارهای فرهنگی خیلی مفید و سودمند می باشد چون کارهای هنری غذای روح است. روح علاوه بر دین و مذهب به هنر نیز نیاز دارد. به قول بعضی از بزرگان، دین دری به بیرون است و هنر پنجره ای به بیرون که هر دوی آن لازم است.

اگر تکیه مان را از آموزش به سمت پژوهش ببریم و بتوانیم از دولت یک بودجه بسیار زیاد پژوهشی دریافت نماییم، بزرگترین اتفاقی است که می تواند برای دانشگاه ما روی دهد. چون دانشگاه شریف طی ۵۰ سال اخیر آموزش محور بوده و بایستی مانند دانشگاههای آکسفورد انگلیس و هاروارد و دهلی و .. در آمریکا پژوهش محور شویم. دانشگاه شریف که جزو بهترین دانشگاههای منطقه است باید پژوهش محور شود، که برای تحقق آن، هم بودجه لازم است و هم همت مدیریت و ایجاد امکانات از لحاظ فضا و آموزش.

خاطره زیاد است یکی از شرکتهای موفق الکترونیکی مدیر عاملش از دانشجویان سابق من بود. من را برای دریافت کمک به ایشان معرفی کردند، ظاهرا به دانشکده نیز کمک کرده بودند. به ایشان گفتم شما دانشجوی سابق من بوده اید. چهره مبهمی از شما به یاد دارم. گفت بله من شما رو خوب می شناسم و خاطره خوبی از شما ندارم. گفتم چرا؟ گفت من برگه امتحانی ام را سفید دادم، هر چه خواش کردم به من صفر ندهید، قبول نکردید. گفتم برای صفر من موفق شدید و تو کار خود پیشرفت کردید وگرنه ادامه تحصیل داده بودید، و سرنوشت شما عوض شده بود.

یک خاطره دیگر، چند سال قبل به مرکز استانداردها مراجعه نمودم، دانشجوی سابق من در قبل از انقلاب، مهندس مرکز استانداردها بود، فوراً شناختمش جلو رفتم و سلام کردم و سوال کردم آیا من را می شناسد؟

گفت ببخشید من شما رو نمی شناسم. استاد دانشجوی خود را شناخت ولی دانشجو، استاد خود را که هر روز سر کلاس می دیدش نمی شناخت. من مجبور شدم خودم را معرفی نمایم تا من را بشناسد.